



میزگرد بررسی نقش انگلستان در کودتا:

رضاخان برای انگلستان چهره‌ای آزمون پس داده بود

در صدmin سالگرد کودتای رضاخان، میزگردی با حضور مرحوم علی اکبر رنجبر کرمانی و مجید تفرشی و کارشناسی محمد محبوبی در استودیو نصر برگزار شد؛ اما به دلایل فنی پخش نگردد و در این فاصله، مهندس رنجبر کرمانی نیز بر اثر ابتلا به بیماری کرونا، از جمع مارخت برپت و انتشار آن میزگرد راندید. از آنجا که نکات حائزه‌همیتی در بیان نظرات حاضران در این نشست بیان شد که حاصل عمری مذاقه در ظرافت‌های تاریخی بود، حال که پخش تصویری آن مقدور نشد، انتشار متن آن خالی از لطف نیست.

مدرس معتقد بودند این قرارداد استقلال ایران را زیین می‌برد و کشور را دربست در اختیار انگلستان می‌گذارد. همه ملیون و چهره‌های ملی ایران بلاستنا و بهشت با این قرارداد مخالف بودند. کسانی با این قرارداد موافق بودند که آن موقع هم به انگلیسی بودن مشهور بودند. چهره‌های اول آن زمان نظیر وثوق‌الدوله، نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله چهره‌های خوشنامی نیستند. یکی یکی به بندهای قرارداد می‌پردازم. در جایی از قرارداد آمده است ما می‌خواهیم مالیه این کشور را سر و سامان دهیم. مستشار و کارشناس از انگلستان می‌آوریم و آنها مالیه ایران را سر و سامان می‌دهند. کمیسیون نظامی مشترک ترتیب می‌دهیم و ارتش ایران و قوای مسلح ایران را سر و سامان می‌دهیم. اینها در ظاهر چیزهای بدی نیست. ممکن است این سوال را بکنید که آیا دل انگلستان به حال ایران سوخته بود و می‌خواست در راه رضای خدا موش بگیرد. مسلمان نه، شرایط جهانی آن روز و وضعیت ایران - که ایران دروازه هندوستان بود - طوری شده بود که وجود یک حکومت مرکزی مقتدر و سر و سامان پیدا کردن کشور به نفع انگلستان بود. چه اشکالی دارد که گاهی منافع استعمارگر و استعمارازده با هم فصل مشترک پیدا کند و یکسو و یک جهت شود؟ این قضیه زیاد پیش می‌آید و در کشورهای

نخست وزیری سید ضیاء است. نیز به قرارداد نفتی ۱۹۳۳ اشاره و ادعا می‌کنند که طی آن، نفت ایران از دست انگلستان خارج شد! یا شیخ خزععل، مهره شناخته شده انگلستان را رضاخان سرکوب و در تهران زندانی کرد... جناب آقای کرمانی، به نظر شمار رضاخان ضدانگلیسی بودیانه؟ رنجبر کرمانی: سه نکته فرمودید: اولین مورد لغو قرارداد ۱۹۱۹ بود. قرارداد ۱۹۱۹ وقتی ملغی شد که عملاً آن قرارداد قابل اجرا نبود و پنهان در میان مردم و سیاست‌باز ایران زده بود. اصلاً یکی از دلایل کودتا، اجرا نشدن این قرارداد بود. شکست قرارداد باعث شد که انگلستان تغییر سیاست بدهد و مجرای جدیدی برای پیشبرد سیاست‌های خودش باز کند. به عقیده من، آن مجرماً کودتا بود. پس قرارداد ۱۹۱۹ عمل‌اُقبل از کودتا شکست خورده بود و نمی‌شد آن را اجرا کرد. جنبه‌های بد این قرارداد در قالب و شکل دیگری از طریق کودتا اجرا شد.

به نظر من پیرامون قرارداد ۱۹۱۹ منفی‌باقی‌های زیادی شده است. ممکن است اشخاصی باشند که نسبت به این قرارداد خیلی نظر منفی نداشته باشند و نکات مثبتی هم در آن بیینند. آنچه مسلم است در کلیت سیاست‌باز بزرگ و میزگرد آن روزگار از جمله شهید سید حسن

▪ محبوبی: صد سال از کودتای رضاخان می‌گذرد. در آن مقطع ایران و منطقه غرب آسیا در وضعیت پراشوبی بود. جنگ جهانی اول به پایان رسیده بود و شوری در حال تأسیس و تحکیم بنیان‌های خود بود. نظام روسیه تزاری و خاندان رومانف سرنگون شده بود. در روسیه، در شمال ایران، آشوب‌هایین روس‌های سفید و بشویک‌ها در جریان بود. در غرب ایران، امپراتوری عثمانی فروپاشیده بود. کشوری به نام عراق به دست انگلستان شکل گرفته و تحت الحمایه آن بود. کشورهای عربی یکی‌که در حال شکل گیری بودند. در شرق، ایران با هند انگلیس همسایه بود.

در چنین وضعیت مغلوش منطقه‌ای بود که کودتای ۱۹۲۹ در ایران به وقوع پیوست. بعضی‌ها می‌گویند این کودتا انگلیسی بود و برخی می‌گویند انگلیسی نبود. عده‌ای می‌گویند هیچ سند صریحی در باب اینکه این کودتا انگلیسی بود وجود ندارد. بعضی کارشناسان دیگر هم می‌گویند بنای دنیا چنین سندی گشت.

ادعایی که اخیراً بین برخی از تاریخ‌نگاران و شاید دانشگاهیان رواج پیدا کرده، این است که کودتای سوم اسفند ۱۹۲۹ اصولاً انگلیسی نبود و مهم‌ترین که رضاخان نه تنها چهره‌ای انگلیسی نبود، بلکه ضدانگلیسی هم بود. یکی از دلایلی که برای آن ذکر می‌کنند لغو قرارداد ۱۹۱۹ در زمان